

تاریخ انحرافات صدر اسلام

علی احمدی میراقا

تاریخ اسلام (عرصه دگر اندیشی و گفت و گو، روزگار عثمان)؛ عبدالمجید
معدیخواه (۱۳۳۱ -) تهران؛ نزه چلب اول ۱۳۸۲، ۸۸۷ص؛ وزیری، فارسی.

تاریخ‌نگاری مانند هر رشته علمی دیگر از متدها و سبک‌هایی برای پژوهش یاری می‌گیرد که به مدد آن روشها، می‌تواند حقایق و واقعیت‌های گذشته را به مثابه واقعیت‌هایی که برای زمان حال نقش‌آفرین و مهم‌اند ترسیم و تبیین کند. البته، با قبول این فرض که با هر روشی نمی‌توان به عینیت و قطعیت رسید. در تاریخ‌نگاری اسلامی که بسیاری از ابعاد آن و مکتبها و مسیرهایش، پژوهش شده است تنوع این سبکها را در کار مورخان برجسته‌ای مانند طبری، واقدی، ابن‌سعد، ابن‌عساکر، و ابن‌هشام و... می‌توان ملاحظه کرد.

تاریخ‌نگاری تحلیلی ترکیبی، روشی است که امروزه در نگارش تاریخ اسلام مورد پسند واقع شده است. در این روش بر پایه اسناد، روایتها و منابع و با مطالعه فرهنگ، جامعه و جغرافیای «حوادث» به گونه‌ای علمی و اطمینان‌بخش بازسازی می‌شوند؛ در این روش، داشتن طرحی از نظام سیاسی، فلسفه سیاسی هر قوم یا حکومت و دوره تاریخی جزو مقدمات کار پژوهشی است. در این پژوهش نویسنده تلاش می‌کند با در دست داشتن ملاک‌هایی به تحلیل حوادث عصر خلافت عثمان بپردازد و زمینه‌ها و مقدمات این برهه از تاریخ اسلام را با دیدی محققانه کنکاش کند. آنچه در این حادثه تاریخی نقش دارد از دید پژوهش او مخفی نمانده، شخصیتها در کنار اماکن سرنوشت‌ساز تاریخی، اندیشه‌ها در میان انبوه خواسته‌ها و توطئه‌ها مطالعه می‌شود. وی، بیشتر از آنکه به نتیجه‌ای از تحقیق چشم دوخته باشد پرسشهای بیدارگرانه مطرح می‌کند، چه خوب می‌داند که از لابه‌لای تعارضات اسناد نمی‌توان برای هر حادثه کوچک طرحی صحیح یافت.

نویسنده سایه توطئه‌ها و ترفندهای بنی‌امیه و آل‌سفیان و به‌ویژه معاویه را از زمان خلافت عمر و چالش‌هایی که در تعیین خلیفه پس از او پیش آمد و حتی کشته شدن او را پی‌گیری می‌کند و ریشه‌ها و پیامدها و اصل این حرکات را نشان می‌دهد بر مبنای تحلیلی و تحقیقات نویسنده، به وضوح مشخص می‌شود که این توطئه‌های حساب‌شده و اندیشه‌های انحرافی چگونه علاوه بر ملوث‌کردن ارزشها و فرهنگ نوپای اسلامی، در حکومت اشرافی عثمان جزو اصول و مبنای رسمی حکومت شد و تمام اضلاع انحرافی آن به کمال رسید. بسیاری از کنشهای سیاسی عمر، عثمان، عبدالرحمن بن عوف، مغیره بن شعبه و عمروعاص را منشأ خطرانی معرفی می‌کند که سرانجام آن، کشته‌شدن دو خلیفه در عصر نوپای خلافت اسلامی و طردشدن بسیاری از شخصیت‌های اصیل اسلامی، مثل حضرت علی و ابوذر از صحنه سیاست بود.

وی با اینکه دغدغه وحدت مسلمانان و دفاع از ارزشهایی مانند بیعت، شورا، عدالت، آزادی و زهد را دارد و منکر نیست در رفتارهای خلفای اسلامی می‌توان نشانه‌هایی از این ارزشها را یافت؛ اما در عین حال ساده‌نگریها و تندروییهای هر کدام از این شخصیتها را دلایل واضحی بر انحرافات صدر اسلام می‌داند. دلایل کافی برای آن همه اختلاف، اغتشاش فکری و انحراف از مبنای اصیل سیاست اسلامی می‌داند. مؤلف می‌خواهد نشان دهد، اندیشه و سیاست امام علی(ع) تنها راه چاره برای برون رفت از این معضلات سیاسی و اجتماعی بود؛ اما این سیاست وقتی صورت تحقق یافت که تمام بخشهای مستحکم جامعه توسط آل‌سفیان سُست شده بود و تنها چیزی که مانده بود پوسته‌ای از اسلام بود که به‌درستی بر قامت معاویه و اقران بی‌حقیقت او راست می‌آمد تا بر تن عدالت طلب خستگی‌ناپذیری همچون امام علی علیه‌السلام.

نویسنده در پژوهش خود ضمن اینکه حوادث خلافت عثمان و زمینه‌های طفیان و شورش امت را بررسی می‌کند و سهم هر یک از صحابه را نیز، در این بحران نشان دهد تیغ پرسشها و داوریهای نویسنده بر شخصیتهای مهم صدر اسلام فرود آمده، هدف از این محاکمه‌ها چوب زدن بر تابوت مردگان نیست، وی می‌خواهد مسلمانان عصر حاضر، این محاکمات و این محکوم‌کردنها را درس عبرتی برای زندگی سیاسی امروز و وضعیت جهان اسلام قرار دهند. فریادهای پرسش‌گرانه نویسنده می‌تواند هشدارهایی باشد برای سیاستمدارانی که تاریخ در سیاستگذاریها و تصمیمهای آنها صورت تحقق می‌یابد.

آیا می‌توان تاریخ اسلام را از میان انبوه روایتهای متعارض بازخوانی و بازشناسی کرد. نویسنده در مواضع بسیاری از کتاب بر آسیبهای تاریخ اسلام تأکید می‌کند. از همین زاویه تاریخ‌نگاری افرادی مثل طه حسین و جرجی زیدان را نقد می‌کند و آنها را شیفته عصر خلافت می‌داند از اینکه طه حسین رفتارها و اندیشه سیاسی شیخین و عثمان را مبنایی برای گسترش اسلام و فتوحات موفقیت‌آمیز اسلام قرار می‌دهد برآشفته می‌شود.

مؤلف، آسیبهای رفتاری و تمدنی و فرهنگی فتوحات و از جمله عجم‌ستیزی خلفا را نشانه‌هایی تاریک بر پیشانی کسانی می‌داند که با هدف تبلیغ اسلام، تحجر و قشریگری و تزویز و ثروت‌اندوزی را در جامعه اسلامی نهادینه کردند و نتیجه آن شکافهای عمیق بر تن این جامعه بود که جراح مسئولیت‌شناسی، مثل حضرت علی(ع) نتوانست به رغم همه تلاشها و فداکاریها آن را درمان کند.

نقدی و نظری

نویسنده با طرح پژوهشهای بزرگ و گذاشتن علامت سؤالهایی بر سیره و سیاست خلفا و صحابه انتظارات بسیاری بر انگیزته، اما آیا به واقع خود پاسخی منسجم و متقن برای آنها یافته است. حقیقت این است اگر ما برای بازشناسی تاریخ صدر اسلام انتخابی جز از منابع تاریخی؛ مثل تاریخ طبری، تاریخ ابن هشام و ابن عساکر و آثار تاریخی پیشرو نداشته باشیم به ناچار مجبوریم روشی تأویلی به کار بگیریم و چیزی شبیه همین اثر یا آثار طه حسین و زیدان، حاصل این انتخاب خواهد شد، با این تفاوت که در این اثر ما دقیقاً نمی‌توانیم بفهمیم دلایل اختلاف منشهای سیاسی صحابه در مواضع متعدد چه بوده است یا اگر تاریخ اسلام در دست کسان دیگر یا با شیوه ابهام‌آمیزی که مؤلف طرح می‌کند محقق می‌شد چه سرنوشتی می‌یافت. آیا به صرف اینکه بگوییم کشتن عمر و انحرافات عصر عثمان حاصل توطئه‌ها و کودتای بنی‌امیه بوده است می‌توان مطمئن شد که ریشه‌های کنشها و ارتباط افعال سیاسی در صدر اسلام را به تحقیق روشن کرده‌ایم. اگر مبانی تفکر یا منطق رفتاری معاویه و بنی‌امیه روشن نشود و در مقابل آن، منطق رفتاری حضرت علی ترسیم نگردد، بعید است ما چارچوب و صراحت معنایی و کارکردی مفاهیمی مانند شورا، دموکراسی، عدالت، بیعت، خلافت، حکومت اسلامی را دریابیم و این دقیقاً گرهی است که در این کتاب به رغم طرح پرسشها و عبارات آهنگین و ارتباط دادن گذشته دور به اتفاقات امروزی، ابهام آن باز نشده است.



پرو، شمشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی